



Bowthorpe
Church

خدمت عهدی
راه رفتن با عیسی - لوقا 24: 13-35
۱۴ سپتامبر ۲۰۲۵

خوش آمدید و دعوت به عبادت:

خداوند می گوید: «زمانی فرا می رسد که من با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی تازه خواهم بست... شریعت خود را در ذهن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دلهایشان خواهم نوشت. من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من» (ارمیا ۳۱: ۳۱، ۳۳ ب).

آهنگ ها:

- منجی او می تواند کوه ها را جابجا کند - خدای من قادر به نجات است
- این لطف از آن من است
- اینجامنتظرم (بال های عقاب))

دعای افتتاحیه

بیایید دعا کنیم:

جلال بر خدای عشق، تو ما را آفریدی؛ تو پیوسته ما را حفظ و حمایت می کنی؛ تو ما را با عشقی جاودان دوست داری، تو نور شناخت جلال خود را در چهره عیسی مسیح به ما می بخشی.

متبارک باد خداوند تا ابدآباد.

متبارک باد خداوند تا ابدآباد.

جلال بر تو باد، ای خداوند عیسی، تو ثروتمند بودی، اما به خاطر ما فقیر شدی، تو نیز مانند ما وسوسه شدی، اما بدون گناه، مژده پادشاهی را موعظه کردی و تا پای جان، حتی مرگ بر صلیب، مطیع بودی. تو از مرگ برخاستی و تا ابد زنده هستی. تو در جلال در دست خدا نشسته ای و دوباره برای داوری ما خواهی آمد.

خداوند تا ابد متبارک باد

خداوند تا ابد متبارک باد

جلال بر تو باد، ای روح القدس، ای خداوند، ای بخشنده حیات. ما به وسیله تو در خانواده خدا متولد شده ایم و اعضای بدن مسیح گشته ایم. شهادت تو ما را تأیید می کند؛ حکمت تو به ما می آموزد؛ قدرت تو ما را قادر می سازد. تو بیش از آنچه که می توانیم بخواهیم یا فکر کنیم، برای ما انجام خواهی داد.

خداوند تا ابد متبارک باد متبارک

باد خداوند تا ابدآباد.

ستایش و جلال تا ابد از آن خدای یگانه، پدر، پسر و روح القدس باد. آمین.

دعای اعتراف

ای خدای مهربان، صدای ما را بشنو، در حالی که به گناهانمان اعتراف می کنیم. تو به ما نشان دادی که چگونه در زندگی عیسی زندگی کنیم. ما اعتراف می کنیم که در یادگیری از او کند بوده ایم، در پیروی از او کوتاهی کرده ایم و از حمل صلیب اکراه داشته ایم.

پروردگارا رحم کن.

پروردگارا ببخش.

ما به فقر عبادت خود، غفلت از مشارکت و راه های فیض، طفره رفتن از مسئولیت هایمان در خدمت به تو و عدم مراقبت کامل از عطایای تو اعتراف می کنیم.

پروردگارا رحم کن.

پروردگارا ببخش.

ای خدا، به واسطه محبت پایدار خود، بر ما رحم کن. در کمال رحمت خود، گناهان ما را محو کن. تمام تقصیرات ما را بشوی و ما را از گناهان پاک کن. قلبی نو در ما بیافرین و روحی راست در ما تازه کن. **آمین.**

تضمین عفو

اگرچه گناهان خود اعتراف کنیم، خداوند امین و عادل است و گناهان ما را می بخشد و ما را از هر ناراستی پاک می کند. بنابراین، برای همه کسانی که واقعا توبه می کنند، این کلام پر فیض اوست: «گناهان شما بخشیده شد.» **آمین**

عهد و پیمان

خداوند با قوم اسرائیل عهد بست و آنها را به عنوان ملتی مقدس فراخواند تا با لذت بردن از شریعت، شهادتی بر عشق پایدار او باشند.

این عهد در عیسی مسیح، پروردگار ما، در زندگی، کار، مرگ و رستاخیز او تجدید شد. در او همه مردم می توانند گناه و قدرت آن آزاد شوند و در عشق و اطاعت متحد شوند.

در این عهد، خداوند به ما وعده زندگی جدید در مسیح را می دهد. ما نیز به نوبه خود قول می دهیم که دیگر نه برای خودمان، بلکه برای خدا زندگی کنیم.

ما امروز، همانطور که نسل های پیش از ما انجام داده اند، گرد هم می آییم تا پیمانی را که آنها و ما را به خدا پیوند می دهد، تجدید کنیم.

وعده

خواهران و برادران در مسیح، بیایید دوباره جایگاه خود را در این عهدی که خداوند با ما و با همه کسانی که به عنوان شاگردان مسیح فراخوانده شده اند، بسته است، بپذیریم.

این بدان معناست که با کمک روح القدس، هدف خدا را برای خود و دعوت به عشق ورزیدن و خدمت به خدا را در تمام زندگی و کار خود می پذیریم.

مسیح خدمات زیادی برای انجام دادن دارد: برخی آسان و برخی دشوار هستند؛ برخی باعث افتخار و برخی دیگر باعث سرزنش می شوند؛ برخی با تمایلات طبیعی و منافع مادی ما سازگارند، برخی دیگر با هر دو مغایرت دارند؛ در برخی می توانیم مسیح را خشنود کنیم و خودمان را؛ در برخی دیگر نمی توانیم مسیح را خشنود کنیم مگر با انکار خودمان. با این حال، قدرت انجام همه این کارها در مسیح به ما داده شده است، که ما را تقویت می کند.

بنابراین، بیایید این عهد خدا را عهد خود قرار دهیم. بیایید خود را به او بسپاریم، به وعده های او اعتماد کنیم و به لطف او تکیه کنیم.

خدای ابدی، در عشق وفادار و پایدار خود، ما را فرا می خوانی تا در عهد پرفیض تو در عیسی مسیح شریک باشیم. ما با اطاعت، فرامین تو را می شنویم و می پذیریم؛ با عشق، در پی انجام اراده کامل تو هستیم؛ با شادی، خود را از تو به تو تقدیم می کنیم. ما دیگر از آن خود نیستیم، بلکه از آن تو هستیم.

من دیگر نه از آن خودم، بلکه از آن تو هستم. اراده ی تو، نه اراده ی من، در همه چیز، هر کجا که مرا قرار دهی، در هر کاری که انجام می دهی و در هر کاری که می توانم تحمل کنم، اجرا شود؛ چه زمانی که کاری برای من هست و چه زمانی که نیست؛ چه زمانی که پریشانم و چه زمانی که در آرامشم. اراده ی تو اجرا شود، چه زمانی که برایم ارزش قائلند و چه زمانی که نادیده ام می گیرند؛ چه زمانی که به کمال می رسم و چه زمانی که فاقد آن هستم؛ چه زمانی که همه چیز دارم و چه زمانی که هیچ چیز ندارم. من با کمال میل هر آنچه دارم و هستم را برای خدمت به تو، هر جا و هر زمان که تو انتخاب کنی، تقدیم می کنم.

ای خدای جلیل و متبارک، ای پدر، پسر و روح القدس، تو از آن من هستی و من از آن تو. باشد که تا ابد چنین باشد. بگذار این عهدی که اکنون بر زمین بسته شده است، در آسمان نیز به انجام رسد. **آمین.**

ما این پیمان را نه تنها برای خودمان، بلکه به عنوان بندگان و شاهدان خدا بسته ایم. بیایید اکنون و همیشه در راه عیسی گام برداریم.

اطلاعیه ها:

مراسم توییپین اوکس - دوشنبه ۱۵ سپتامبر، ساعت ۱۱ صبح،
جلسه کلیسا - یکشنبه ۲۱ سپتامبر بعد از مراسم
مراسم تشییع جنازه ریموند هورول - دوشنبه ۲۲ سپتامبر، ساعت ۱۱ صبح، کوره جسدسوزی و گورستان
ارلهام
تعمیر و نگهداری صبح - شنبه ۲۷ سپتامبر، ۹:۳۰ صبح - ۱۲:۳۰ ظهر

آهنگ پیشنهادی:

• مادر نور خدا قدم می زنیم

پیشنهاد ویژه

ای پروردگار مهربان، هنگامی که جان خود را بر روی صلیب دادی، عهد جدید را برقرار ساختی. همانطور که خود را برای ما فدا کردی، اکنون ما نیز خود را به همراه این هدایا به تو تقدیم می کنیم تا زندگی و هر آنچه داریم، گویای تمام کارهایی باشد که برای ما انجام داده ای؛ به خاطر جلال تو. **آمین.**

قرائت: لوقا ۲۴: ۱۳-۳۵ -

۱۳ در همان روز، دو نفر از آنها به روستایی به نام امائئوس می رفتند که حدود یازده کیلومتر از اورشلیم فاصله داشت. ۱۴ آنها با یکدیگر درباره همه وقایع گفتگو می کردند. ۱۵ همانطور که آنها در مورد این چیزها با یکدیگر صحبت و گفتگو می کردند، خود عیسی از راه رسید و با آنها همراه شد. ۱۶ اما آنها مانع شدند که او را بشناسند.

۱۷ او از آنها پرسید: «در راه درباره چه چیزی با هم بحث می کنید؟» آنها بی حرکت ایستادند و چهره هایشان فرو افتاد. ۱۸ یکی از آنها، به نام کلیئوپاس، از او پرسید: «آیا تو تنها کسی هستی که در اورشلیم از وقایع این روزها بی خبری؟»

۱۹ پرسید: «چه چیزهایی؟»

آنها پاسخ دادند: «درباره عیسی ناصری. او پیامبری بود که در گفتار و کردار در پیشگاه خدا و همه مردم قدرتمند بود. ۲۰ کاهنان اعظم و حاکمان ما او را تحویل دادند تا به مرگ محکوم شود و او را مصلوب کردند. ۲۱ اما ما امیدوار بودیم که او همان کسی باشد که قرار است اسرائیل را نجات دهد. و علاوه بر این، امروز روز سوم از وقوع همه این اتفاقات است. ۲۲ علاوه بر این، برخی از زنان ما را شگفت زده کردند. آنها امروز صبح زود به مقبره رفتند ۲۳ اما جسد او را پیدا نکردند. آنها آمدند و به ما گفتند که در رؤیای فرشتگانی را دیده اند که گفته اند او زنده است. ۲۴ سپس برخی از همراهان ما به مقبره رفتند و آنرا همانطور که زنان گفته بودند یافتند، اما عیسی را ندیدند.»

۲۵ او به ایشان گفت: «شما چقدر نادان و چقدر سست دل هستید که به سخنان انبیا ایمان نمی آورید! ۲۶ آیا نمی بایست مسیح این رنج ها را ببیند و سپس به جلال خود برسد؟ ۲۷ و از موسی و همه انبیا شروع کرد و آنچه را که در تمام کتب مقدس درباره خودش گفته شده بود، برای ایشان توضیح داد.»

۲۸ همین که به دهکده ای که عازم آن بودند نزدیک شدند، عیسی چنان به راه خود ادامه داد که گویی می خواهد دورتر برود. ۲۹ اما آنها با اصرار فراوان به او گفتند: «پیش ما بمان، زیرا نزدیک غروب است و روز تقریباً به پایان رسیده است.» پس او داخل شد تا پیش آنها بماند.

۳۰ وقتی با آنها سر سفره بود، نان را برداشت، شکر کرد، آن را پاره کرد و شروع به دادن آن به آنها نمود. ۳۱ سپس چشمانشان باز شد و او را شناختند و از نظرشان ناپدید شد. ۳۲ آنها از یکدیگر پرسیدند: «آیا وقتی در راه با ما صحبت می کرد و کتاب مقدس را برای ما تفسیر می کرد، دل‌هایمان در درونمان نمی تپید؟»

۳۳ آنها برخاستند و بی درنگ به اورشلیم بازگشتند. در آنجا دیدند که آن یازده نفر و همراهانشان گرد هم آمده اند ۳۴ و می گویند: «درست است! خداوند برخاسته و بر شمعون ظاهر شده است.» ۳۵ سپس آن دو نفر آنچه را که در راه اتفاق افتاده بود و اینکه چگونه عیسی را هنگام پاره کردن نان شناختند، بازگو کردند.

این کلام پروردگار است **شکر**
خدا

تأمل: قدم زدن با عیسی

خب، خوشحالم که بعد از مرخصی ام دوباره در میان شما هستم. یکی از کارهایی که در طول مرخصی ام انجام دادم، پیاده روی در مسیر ساحلی نورفولک بود، تمام ۸۴ مایل آن. و از دل آن تجربه می خواهم در پرتوانچه در طول مسیر ساحلی دیدم، در مورد پیاده روی با عیسی تأمل کنم. بنابراین، موضوع امروز ما پیاده روی با عیسی است. وقتی قصد داشتم در مسیر ساحلی پیاده روی کنم، باید نقطه شروع را تعیین می کردم. تصمیم گرفتم از هانستانتون شروع کنم و به سمت شرق بروم، زیرا فکر می کردم احتمال بیشتری وجود دارد که باد در پشت سرم باشد. نقطه شروع امروز ما برای این تأمل، جایی است که در زندگی خود هستیم. ممکن است سال ها با عیسی پیاده روی کرده باشیم، یا ممکن است هنوز آن سفر را شروع نکرده باشیم و صرفاً به این دلیل که در مورد ایمان مسیحی کنجکاو هستیم، اینجا هستیم. دلایل بسیار متنوعی وجود دارد که چرا هر یک از ما اینجا هستیم. اما ما اینجا هستیم و این نقطه شروع ما است، ملاقات با عیسی. قرار است به داستان دو شاگرد در جاده امائوس در روز رستاخیز عیسی نگاهی بیندازیم. تام رایت در مورد این متن می گوید که «این متن الگویی برای بسیاری از مفاهیم مسیحی بودن، از آن زمان تا به امروز، است» (لوقا برای همه). بنابراین، بیایید به لوقا ۲۴: ۱۳-۳۵ برگردیم. آیات ۱۳-۱۶ را بخوانید.

مادر اینجا دو شاگرد، کلئوپاس و دیگری را می بینیم که نامش ذکر نشده است، اگرچه برخی از محققان فکرمی کنند که او همسر کلئوپاس به نام مریم بوده است. آنها با غم و اندوه ناشی از امیدهای بر باد رفته، انتظارات سرکوب شده و اکنون آینده ای نامشخص، از اورشلیم دور می شوند. اگرچه روز رستاخیز عیسی بود، اما آنها فقط شایعاتی در مورد این موضوع شنیده بودند، اما در آستانه ملاقات با خداوند قیام کرده بودند. آنها امیدوار بودند که عیسی اسرائیل را نجات دهد، اما دشمنانش او را مصلوب کردند. از قضا، او اینگونه بود که *نجات* را نجات می دهد، اما آن دو شاگرد هنوز این را نمی دانند. همانطور که آنها عیسی را وقتی که در کنارشان آمد شناختند، عمل نجات خدا را نیز بر روی صلیب و مقبره خالی تشخیص ندادند.

مواجهه با عیسی در جاده ی امائوس فقط مربوط به آن دو شاگرد در آن زمان نیست. این ملاقات اکنون نیز مربوط به ماست. همانطور که عیسی در قرن اول در روز رستاخیزش در کنار شاگردانش قدم زد، ما نیز در قرن بیست و یکم، عیسی را در سفر زندگی مان در کنار خود می بینیم. همانطور که عیسی با آنها قدم زد و صحبت کرد، او نیز قدم می زند و صحبت می کند.

با ما همراه می شود، از ما سوال می پرسد، با صبر به سوالات ما پاسخ می دهد و ترس هایمان را آرام می کند. در اینجا، همانطور که نان و شراب را با هم تقسیم می کنیم (همانطور که بعداً انجام خواهیم داد)، ما نیز می توانیم با خداوند رستاخیز یافته ملاقات کنیم و از حضور او متأثر شویم.

این دو شاگرد از قبل پیرو عیسی بودند، اما از دیدن مصلوب شدن او دلسرد شده بودند. آنها با وجود شنیدن سخنان زنان مبنی بر زنده بودن عیسی، از اورشلیم دور می شدند. آیا وسوسه می شوید که از عیسی دور شوید زیرا زندگی دشوار و دردناک است؟ از عیسی بخواهید که با شما همراه شود و دوباره در کنار شما باشد. همچنین، اگر حتی متعهد به پیروی از عیسی نشده اید، از او بخواهید که وارد زندگی شما شود، از او بخواهید که با شما همراه شود و به شما کمک کند. دلیلی وجود دارد که امروز اینجا هستید. عیسی می خواهد شما او را بشناسید و امید رستاخیز و زندگی جدید را بشناسید. بنابراین، از عیسی بخواهید که با شما همراه شود و شما را تغییر دهد و به شما امید دهد. شاید این نقطه شروع شما امروز باشد.

در مواجهه با عیسی در جاده عمواس، می توانیم پنج روش را ببینیم که عیسی با دو شاگرد ناامید ارتباط برقرار می کند. اولاً، این مواجهه به صورت مکالمه بود. دو شاگرد در حال بحث در مورد تمام اتفاقاتی بودند که برای عیسی افتاده بود که عیسی وارد مکالمه آنها شد (آیه ۱۴). تصور کنید که شما هم در این داستان بودید. هنگام قدم زدن در مورد چه چیزی صحبت می کردید؟

دوم اینکه، این برخورد تفسیری بود. منظورم این است که عیسی توضیح داد که چگونه تمام کتاب مقدس به او اشاره می کند (آیه ۲۷). آخرین باری که کتاب مقدس را برداشتید و مطالعه کردید کی بود؟ در حالی که در مرخصی بودم، تعدادی کلیپ یوتیوب در مورد گفتگو با کسانی که به ایمان مسیحی اعتراض دارند تماشا کردم. چیزی که از اینها یاد گرفتم این است که باید کتاب مقدس را حتی بهتر و کامل تر بشناسم. باید وقت بیشتری برای خواندن کتاب مقدس بگذارم. شما هم همینطور؟

سوم اینکه، این ملاقات یک مراسم مذهبی بود. عیسی نان را گرفت، شکرگزاری کرد، آن را شکست و به آنها داد (آیه ۳۰). ما امروز قرار است این کار را انجام دهیم. همانطور که این کار را انجام می دهیم، چرا از عیسی نمی خواهیم که با شما ملاقات کند؟ در حین شکستن نان بود که چشمان آنها باز شد. چشمان شما نیز می توانند باز شود.

چهارم، این ملاقات نبوی بود. چشمان آنها باز شد و فهمیدند که چگونه تمام عهد عتیق نشانه ای برای عیسی است (آیه ۳۱). به عنوان مثال، عیسی بره عید فصح است که برای ما قربانی شد. آیا اجازه می دهید کلام خدا چشمان شما را به حقیقت عیسی باز کند؟ اخیراً در مورد نبیل قریشی، مسلمانی که به دنبال حقیقت خدا بود، خواندم. خداوند در خواب با نبیل صحبت کرد و او مسیحی شد. ملاقات او با عیسی در خواب نبوی بود. خدا در خواب و رؤیا با بسیاری از مسلمانان صحبت می کند. ما باید دعا کنیم که این اتفاق بیشتر رخ دهد زیرا بسیاری از مسلمانان تشنه شناخت خدا هستند.

سرانجام، این مواجهه درونی بود. دل هایشان در درونشان می سوخت، در حالی که عیسی با آنها صحبت می کرد (آیه ۳۲). آتش حقیقت خدا به آنها زندگی و امید می بخشید. آیا تا به حال چنین تجربه ای داشته اید که دلتان در درونتان بسوزد؟

حال، راه های بسیار دیگری وجود دارد که خدا از طریق آنها سخن می گوید، اما ما این پنج مورد را در اینجا در داستان دو شاگرد که به خانه برمی گردند، می بینیم. اگرچه این برخورد در جاده ی امائوس

شامل باز شدن کتاب مقدس، پاره کردن نان، چشمان باز و قلب های سوزان بود، عامل کلیدی در این مواجهه، ملاقات با خود عیسی بود. در مسیر عمائوس، عیسی معلمی با کتاب مقدس، یا فرشته ای با پیام، یا کاهنی با نان و شراب نفرستاد. عیسی خودش ظاهر شد. ما کتاب مقدس را در نور مسیح درک می کنیم. او ارتباط خدا با ماست. عیسی کلام خدا برای ماست و از طریق صفحات کتاب مقدس، ما او را ملاقات می کنیم. همه چیز در مورد عیسی است.

همانطور که داشتیم فکر می کردم این یکشنبه چه پیامی را ببرم، به ذهنم رسید که باید به ما یادآوری شود که به عنوان یک کلیسا، در چه مسیری حرکت می کنیم. اگر زندگی مسیحی یک سفر است، سفری به سوی عیسی است، پیروی از رد پای او، قدم زدن در راه او، قدم زدن با عیسی. ما باید در مسیر قدم بزنیم. وقتی در مسیر ساحلی قدم می زدم، راه رفتن روی زمین سفت را به مواقعی که روی سنگریزه یا شن یا صخره های ناپایدار راه می رفتم، ترجیح می دادم. قدم زدن در راه عیسی، زمین سفتی را برای ما فراهم می کند تا زندگی خود را بگذرانیم. همانطور که من برای هر مرحله از سفرم مقصدی داشتم، باید در مورد مقصد و مسیر رسیدن به آنجا روشن باشیم.

همانطور که این موضوع برای ما به عنوان یک خانواده کلیسایی صادق است، برای ما نیز به عنوان یک خانواده کلیسایی صادق است. زندگی این کلیسا باید حول محور پیروی از عیسی مسیح باشد. همانطور که رسیدن به هابتون از هانستانتون هدف من بود، عیسی مسیح هدف ما، تمرکز ما و همراه ما در این سفر است. و می دانید چه چیز دیگری، آن دو شاگرد از ملاقات با عیسی مسیح قیام کرده نیرو گرفتند و تمام راه را مستقیماً به اورشلیم برگشتند تا به دیگران بگویند که با عیسی مسیح قیام کرده ملاقات کرده اند.

بنابراین، اگر خسته یا رنجور هستید، یا نیاز دارید که در ایمانتان تجدید قوا کنید، بگذارید برایتان دعا کنم تا ملاقاتی تازه با خداوند قیام کرده داشته باشید.

دعاهای شفاعت:

آهنگ:

• مادر سرزمین قدم خواهیم زد، با قلبی آتشین

صلح

خداوند با قوم خود پیمان صلح ابدی بسته است. صلح خداوند همیشه با شما باد.

و همچنین با شما.

شام خداوند

عیسی به نیکو دیموس گفت: «خدا پسر را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه تا جهان به وسیله او نجات یابد» و «کسانی که به راستی عمل می کنند، به سوی نور می آیند تا به روشنی دیده شود که اعمالشان در خدا انجام شده است.» خدای ما خدای فرصت های دوباره و فرصت های جدید است، بیایید فیض و بخشش او را به خود جشن بگیریم.

خداوند با شما باد. و

همچنین با شما.

دل هایتان را بالا ببرید. ما آنها را به

سوی پروردگار بالا می بریم.

بیایید خداوند، خدای خود را شکر کنیم. حق این

است که از خودمان تشکر و قدردانی کنیم.

براستی که شایسته است، همیشه و همه جا، از تو، خدای حقیقی و زنده، سپاسگزاری کنیم. رحمت تو بی پایان و سلطنت تو جاودانه است. تمام آفرینش از شکوه و جلال درخشان تو شادمان است. تو با قوم خود پیمان بستنی و هدف خود را از عدالت و عشق اعلام کردی.

وقتی همه چیز آماده شد، پسر تو را فرستادی تا نجات دهنده ما باشد. او در گفتار و کردار، پادشاهی تو را اعلام کرد و حتی تا پای مرگ بر روی صلیب از اراده تو اطاعت نمود. او از طریق رستخیز قدرتمند خود، بر گناه و مرگ غلبه کرد تا تمام خلقت را آزاد سازد.

بنابراین، با قدیسان و فرشتگان و با تمام گروه های سرود آسمانی، در سرود ستایش ابدی شریک می شویم.

قدوس، قدوس، قدوس، پروردگار، خدای قدرت و

توانایی، آسمان و زمین مملو از جلال توست.

هوشیعیانادر اعلی علیین.

مبارک است آنکه به نام خداوند می آید. هوشیعیانا

دراعلی علیین.

ای پدر، تو را ستایش می کنیم که در شبی که به او خیانت شد، خداوند ما عیسی نان را گرفت و شکرگزاری کرد، آن را پاره کرد و به شاگردانش داد و گفت: «بگیرید و بخورید. این بدن من است که برای شما داده شده است. این را به یاد من انجام دهید.» پس از شام، جام را گرفت، شکرگزاری کرد و آن را به همه داد تا بنوشند و گفت: «این جام، عهد جدید خون من است که برای شما و برای همه مردم برای بخشش گناهان ریخته شده است. این را به یاد من انجام دهید.» هر بار که این نان را می خوریم و این جام را می نوشیم، مرگ خداوند را اعلام می کنیم تا زمانی که او بیاید.

بنابراین، ای خدای مهربان، با این نان و این جام، به یاد می آوریم که پروردگارمان جان خود را برای ما فدا کرد. با ایمان به شهادت رستخیز و عروج او، منتظر آمدنش در جلال و سهیم شدن در ضیافت بزرگ و موعودش هستیم.

آمین. بیا، ای خداوند عیسی.

اکنون، دعا می کنیم، روح القدس خود را بفرست، تا این هدایای نان و شراب برای ما بدن و خون مسیح باشند و ما بتوانیم با همه مقدسین تو در نور، برای ستایش و جلال تو زندگی کنیم.

آمین. بیا، ای روح القدس.

دعاهای ما و دعاهای همه قوم خود را در زمین و آسمان با شفاعت مسیح، کاهن اعظم بزرگ ما، که از طریق او، با او و در او، در وحدت روح القدس، تمام پرستش و تکریم از آن توست، ای خدای قادر مطلق و پدر، تا ابد و ابد، همراه ساز. **آمین.**

دعای ربانی

پدر ما در آسمان

نام تو مقدس باد،

پادشاهی تو بیاید

اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز به انجام رسد،

نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما

گناهان ما را ببخش

همانطور که ما کسانی را که به ما گناه کرده اند

می بخشیم، ما را در وسوسه نیندازید.

اماما را از شریر رهایی ده،

زیرا پادشاهی، قدرت و جلال،

اکنون و تا ابد از آن توست.

آمین.

شکستن نان

امور الهی برای قوم مقدس خدا

عیسی مسیح مقدس است؛

عیسی مسیح خداوند است؛

جلال بر خدای پدر.

عیسی گفت من نان حیات هستم. کسانی که نزد من آیند گرسنه نخواهند شد و کسانی که به من ایمان آورند هرگز تشنه نخواهند شد.

بنابراین اکنون دست هایمان را دراز می کنیم تا آنچه را که پیش روی ماست، برداریم و بخوریم، نمادی از مشارکت ما با مسیح و یکدیگر. ما از این جام می نوشیم تا روح خود را در خدا تازه کنیم. ما از اینکه قوم خدا هستیم، شادمانیم، با اطمینان به اینکه، هر آنچه پیش روی ماست، خدا با ماست.

لطفاً برای دریافت نان و شراب جلو بیایید. شام خداوند برای همه کسانی که او را دوست دارند، از هر سنت مسیحی که باشند، در دسترس است. اگر نمی خواهید نان و شراب را دریافت کنید، برای دعای خیر جلو بیایید.

دعای عشاء ربانی

و حالا با هم دعا می کنیم:

خدای قدوس، تو را به خاطر تمام آنچه هستی می ستاییم. تو را به خاطر سخاوت نسبت به ما، عشقی که از طریق جزر و مد ریتیم های خلقت شاهد آن هستیم، سپاسگزاریم. تو را به خاطر لطفی که به ما به عنوان افراد نشان می دهی، سپاسگزاریم. به ما شجاعت بده تا شیوه زندگی ای را که ما را به آن فراخوانده ای، به اجرا درآوریم. به ما جسارت بده تا انسان های مقدسی باشیم که برای خدمت به جهان فراخوانده شده ایم. باشد که ما انسان های پادشاهی باشیم که همیشه جرات زندگی کردن و ابراز عقیده دارند، انگیزه ما ایمان به خدا است. آمین.

آهنگ:

• من که میگی هستم.

دعای پایانی و دعای خیر

ای خدای بسیار قدوس، همانطور که پسر را با عشق فداکارانه به ما بخشیدی، اکنون ما خود را به تو تقدیم می کنیم تا دیگران نیز همان عشق را بشناسند؛ به واسطه ی عیسی مسیح، پروردگار ما. آمین.

و برکت خدای قادر مطلق، پدر، پسر و روح القدس همیشه با شما باشد و بماند. **آمین.**

در آرامش برو تا خداوند را دوست بداری و خدمت کنی و با او
سهمی شوی **به نام مسیح. آمین.**